



درس 7

باب 19: ورود به پادشاهی

یک پرسش در مورد طلاق (19:1-12)

خیل عظیمی از مردم عیسی را از جلیل در شمال تا یهودیه در جنوب دنبال کردند و او به شفا دادن کسانی که به سمت او می آمدند ادامه داد.

فریسیان برای آزمایش او از عیسی در مورد طلاق سوال کردند. به یاد داشته باشید ، هرود همسر برادر خود را گرفته بود و یحیی تعمید دهنده در اعتراض به این موضوع زندگی خود را از دست داده بودند. توجه کنید که عیسی چگونه به عهد عتیق برای راهنمایی رجوع کرد. وقتی ما هم با سوالات اخلاقی دشواری روبرو می شویم ، باید به کتاب مقدس نیز مراجعه کنیم. عیسی نشان داد که آنچه خدا در ابتدا تنظیم کرد (پیدایش 2:24) قرار بود تا آخر عمر ادامه یابد زیرا وقتی مرد ازدواج می کند او:

- والدینش را ترک می کند.
- همسرش را محکم نگه می دارد.
- با او یک تن می شود.



باب 19- 21

● توسط خدا به همسرش پیوسته است.

● نباید اجازه بدهد کسی آنها را از هم جدا کند.

عیسی گفت که تنها دلیلی که مرد می تواند همسر خود را طلاق دهد این بود که زن بی وفا باشد ، در غیر این صورت مردی که همسرش را طلاق داده و با دیگری ازدواج کند مرتکب زنا شده است.

خدا قصد داشت ازدواج تا آخر عمر ادامه یابد تا یک مرد و همسرش همیشه یکدیگر را دوست داشته و از همدیگر مراقبت کنند، باهم در خدمت به خالق خود کار کنند. این رابطه پایدار شرایط ایده آل را برای تربیت فرزندان فراهم می کند.

در پاسخ به سوال شاگردان ، عیسی می دانست که بعضی از مردان مجرد می مانند زیرا از نظر جسمی قادر به داشتن رابطه زناشویی نبودند. با این حال ، برخی نیز وجود دارند ازدواج نکردن را انتخاب می کنند تا بتوانند تمام وقت و انرژی خود را برای کار برای خداوند صرف کنند. عیسی خودش به همین دلیل ازدواج نکرد.

"چه کار خیری باید انجام دهم تا زندگی ابدی داشته باشم؟" (19: 16-26)

یک جوان ثروتمند نزد عیسی آمد. او از عیسی سوال کرد که برای به دست آوردن زندگی ابدی چه کاری باید انجام دهد. او درک نمی کرد که ما نمی توانیم زندگی ابدی را با کارهایی که انجام می دهیم بدست بیاوریم.



باب 19- 21

این هدیه خدا به کسانی است که با ایمان زندگی می کنند، تمام تلاش خود را می کنند تا او را راضی نمایند.
با مقایسه سایر روایات انجیل در مورد این حادثه متوجه می شویم که این مرد جوان حاکم بوده است (بخوانید لوقا 18:18) و عیسی او را دوست داشت (مرقس 21:10 را بخوانید). وقتی عیسی به او گفت که باید احکام را به جای آورد، او پرسید کدام یک از آنها. عیسی آنها را لیست کرد و مرد جوان جواب داد که همه احکامی را که عیسی ذکر کرده بود نگاه داشته است. سپس عیسی با کسی برخورد کرد که می دانست این مرد احکام را نگهداری نکرده است - "نباید طمع کنی" (تمایل به چیزی داشته باشی که از آن دیگری است).
"عیسی نگاهی گرم و پرمحبت به او کرد و فرمود: «تو فقط یک چیز کم داری: برو هر چه داری بفروش و پولش را به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی یافت. آنگاه بیا و مرا پیروی کن.»" (لوقا 21:10)
مرد جوان ثروت خود را بیش از حد دوست داشت، بنابراین با اندوه روی گردان شد و نتوانست تعهد به پیروی از عیسی بدهد. داستان او به این معنا نیست که هر شاگرد عیسی فراخوانده شده است که از همه دارایی خود دست بکشد. مثلاً، اندکی پس از این حادثه عیسی با فرد ثروتمند دیگری به نام زگی آشنا شد (لوقا 19: 1-9). از زگی خواسته نشد که تمام دارایی خود را بفروشد، اگرچه نیمی از دارایی خود را به فقرا داد. بعضی افراد قادر هستند از مال خود در هنگام پیروی از عیسی عالمانه استفاده کنند. برای دیگران، که همیشه بیشتر می خواهند، امن ترین دوره این است که از آن خلاص شوند.



باب 19- 21

شاگردان این آموزه عیسی را بسیار دشوار دیدند، آنها شگفت زده شدند و سپس پرسیدند "چه کسی می تواند نجات یابد." عیسی پاسخ داد: "توسط انسان این غیر ممکن است اما توسط خداوند همه چیز ممکن است." (متی 26:19)

ما میدانیم که این برای ما غیر ممکن است که اراده خداوند را کامل برای بدست آوردن رستگاری به جا بیاوریم. این کار خداوند است که این موضوع را با فرستادن پسرش که برای ما زندگی کرده و مرد ممکن ساخته است.

"حال، چقدر از رابطه عالی و جدیدی که با خدا داریم، شادیم! اینها همه از برکت وجود خداوند ما عیسی مسیح است که در راه گناهکاران، جان خود را فدا کرد تا ما را دوستان خدا سازد." (رومیان 11:5)

برکت بر مومنان (19: 27-29)

با این حال، رسولان هنوز با این تعلیم دست و پنجه نرم می کردند و پطرس آنچه را که آنها برای پیروی از عیسی کنار گذاشته بودند به او یادآوری کرد. آنها خانواده ها و خانه های خود را پشت سر گذاشته بودند، پس چه چیزهایی در پادشاهی خواهند داشت؟ عیسی به آنها گفت که آنها مکانهای بسیار پرافتخاری خواهند داشت، و بر قبایل اسرائیل حکومت می کنند. هرکسی مواردی که او را از پیروی از عیسی منصرف می کند کنار بگذارد، چیزهای بیشتری از جمله زندگی ابدی، هنگام بازگشت عیسی دریافت می کند.



امروزه این راحتی و آسایش بزرگی برای همه شاگردان است. گاهی ممکن است پشیمان شویم که چیزهایی را که کنار گذاشته ایم رها کرده ایم که برخلاف تعالیم خداست برای اینکه یک شاگرد باشیم، باید به خود یادآوری کنیم که این فقط برای مدت اندکی است در حالی که به ما هدایا و افتخاراتی بیشتر از آنچه تصور کنیم در پادشاهی خدا اعطا می شود که برای همیشه باقی خواهند ماند. این امید ما برای همراهی با عیسی در پادشاهی او است که ما را در ایمان و وعده خود محکم نگه می دارد.

اطلاعات زمینه: "پسر انسان" (28:19)

ما میدانیم که عیسی تنها پسر بوجود آمده از خداوند است که توسط قدرت روح القدس از مریم به دنیا آمده است و خداوند از او به عنوان پسرش ذکر میکند.

"آنگاه ندایی از آسمان در رسید که «این فرزند عزیز من است که از او خوشنودم.» (متی 3:17)
هر چند عیسی مسیح به ندرت به خودش به عنوان پسر خداوند اشاره می کند. ما فقط این عنوان را در انجیل یوحنا می یابیم.) در عوض هنگامی که این باب را مطالعه می کنیم او به کرار از خودش به عنوان پسر انسان نام میبرد.

"به راستی به شما می گویم، وقتی من در آن دنیای جدید بر تخت سلطنتم بنشینم، شما شاگردان من نیز بر دوازده تخت نشسته، دوازده قبیله اسرائیل را داوری خواهید نمود."

این عبارت نمونه ای است که چندین بار در کتاب مقدس میبینیم، و این به ما می گوید که عیسی هیچگاه از



موقعیت خود به عنوان پسر خدا سوءاستفاده نکرد اما همیشه خودش را برای انجام اراده خدا فروتن مینمود. "او با اینکه ماهیت خدایی داشت، اما نخواست از اختیار و حق خدایی خود استفاده کند؛ بلکه قدرت و جلال خود را کنار گذاشت و به شکل یک بنده درآمد، و شبیه انسانها شد؛ و حتی بیش از این نیز خود را فروتن ساخت، تا جایی که حاضر شد مانند یک تبهکار، بر روی صلیب اعدام شود." (فیلیپیان 2: 6-8)

باب 20 : نزدیک شدن به بیت المقدس.

مَثَل کارگران در تاکستان (20: 1-16).

این مثل گاهی اوقات غیر منصفانه به نظر می رسد، امروز هیچ کارفرمایی نمی تواند حقوق کارگران خود را اینگونه بپردازد، حقوق یکسان بدون در نظر اینکه چند ساعت کار کرده اند. هرچند عیسی این مثل را به کار می برد که به شاگردانش درسی بدهد. خداوند به مردم بسته به اینکه چقدر برای آنها کار کرده اند پاداش نمی دهد بلکه پاداش یکسان است برای کسانی که پیشنهاد کار کردن برای او را پذیرفته اند.

وقتی ما به مثل با جزئیات نگاه می کنیم ما بینیم که آیات قبل و بعد از آن همچنان پیغامی را می دهند- که اولی آخر می شود و آخرین اول می شود. "اولین" دسته ای کارگران بودند که با صاحبکار در مورد حقوق قرارداد بستند اما سایرین همه به سر کار رفتند درحالی که به صاحب کار اعتماد داشتند که او بعداً "آنچه را که درست است" به آنها می دهد. صاحبکار سخاوتمندانه به آنهایی که فقط برای مدت زمان کوتاهی کار می



باب 19- 21

کردند به همان میزانی پرداخت که به بقیه که تمام طول روز در گرما مشغول به کار بودند، بیشتر از آنچه که حقشان بود.

اولین گروهی که برای کار در تاکستان خدا دعوت شدند ، ملت یهود بودند. ما توافق یا عهد و پیمان آنها را با خدا در کتاب خروج می خوانیم. اگر آنها شریعتی را که خداوند به موسی داده بود ، رعایت می کردند نعمت خدا را دریافت می کنند آنها شکست خوردند ، اما خداوند هنوز هم نسبت به آنها بخشنده بوده است.

در زمان های عهد جدید دعوت به کار برای خداوند به غیر یهودیان (غیر یهودی) تحت میثاق جدید گسترش یافت، این امر نیازی به رعایت کامل قانون موسی برای دریافت نعمت از جانب خداوند نداشت.

در عوض خداوند خواهان ایمان به وعده نجات خود که از طریق عیسی بوده است، همانطور که مَثَل می گوید، "هرچه صحیح باشد ، من به تو خواهم داد".

خدا به همه کسانی که حرف او را باور دارند و پسر او را به عنوان نجات دهنده خود قبول می کنند ، زندگی ابدی (همان "پرداخت") را وعده داده است.

این مَثَل به یهودیانی که هنوز فکر می کردند در هدف خدا دارای موقعیت ممتازی هستند، داده شد به دلیل اینکه برای خدا تولد آنها به عنوان فرزندان ابراهیم و غیر یهودیان، قابل قبول نیست.



هشدارها برای رسولان (20: 17-19)

در آیات 17-19 عیسی دوباره در مورد رنج ، مرگ و زنده شدن خود به رسولان گفت. برای اولین بار او به آنها فاش کرد که مصلوب خواهد شد. عیسی در نحوه آموزش به شاگردان در مورد مرگ خود بسیار محتاط بود. او می دانست که این یک شوک وحشتناک برای آنها خواهد بود و اصلاً اشاره ای به مرگ خود نکرد شش ماه قبل از آن اتفاق بیفتد.

در اینجا ، در فصل 20 ، او فقط چند هفته با صلیب فاصله دارد و زمان آن فرا رسیده است که شاگردان از جزئیات مرگ وحشتناکی که در اورشلیم در انتظار سرورشان است باخبر شوند.

مستندات موازی در لوقا 18: 31-33 جزئیات بیشتری را بیان می کند - این حوادث وحشتناک برای تحقق سخنان پیامبران عهد عتیق آنها بود وقتی عهد عتیق را می خوانیم باید به یاد داشته باشیم که باید مراقب متونی باشیم که اشاره به سرور عیسی دارند. نگرانی همیشگی او برای پیروانش بود. او راهی را که می پیمود می دانست اما هنوز وقت داشت که از شاگردانش حمایت کند. پروردگار برخاسته همان مراقبت را از پیروان خود دارد.



پاداش (20: 20-28)

با این حال ، شاگردان هنوز نمی فهمیدند که عیسی به آنها چه می گوید. دو نفر از آنها ، یعقوب و یوحنا ، خودخواهانه بهترین مکانهای پادشاهی را می خواستند. آنها پسر عموهای عیسی بودند و مادر آنها ، عمه عیسی بود، که آمد و از او خواست که پسرانش را در پادشاهی خود ترجیح و امتیاز دهد.

ما امروز در زندگی خود با این نوع موارد روبرو می شویم. گاهی اوقات مردی که دارای یک شغل یا موقعیت مناسب است انتظار می رود که از بستگان خود مراقبت کند و به آنها شغل بدهد ، حتی اگر آنها مناسب ترین نامزدها برای نقش نباشند. این حسادت و نارضایتی به همراه می آورد و این دقیقاً همان اتفاقی است که در مورد شاگردان به وقوع پیوست. این دو پسرخاله ها به عیسی گفتند که شایسته بهترین موقعیتها در پادشاهی او بودند چراکه آنها آماده بودند بروند و با او رنج می برند. وقتی ده رسول دیگر این را شنیدند از آنها بسیار ناراضی بودند.

بعداً میخواندیم که بحث در مورد اینکه چه کسی باید بزرگترین در پادشاهی باشد تا همین جا ادامه داشت، دقیقاً تا قبل از شب مرگ عیسی.

گاهی ممکن است مواردی را بیان کنیم که عواقب جدی برای ما و سایر عبادت کنندگان داشته باشد.



باب 19- 21

و مهم این است که ما همیشه به دقت در مورد کلمات خود و هر گونه مشکلی که ممکن است ایجاد کنند فکر کنیم.

حاکمان بر رعایای خود تسلط دارند اما شاگردان واقعی خداوند عیسی باید مانند پروردگار خود باشند و به یک دیگر خدمت کنید ، نه به دنبال موقعیت های اقتدار در کلیسا باشید. دیری نپایید ، در شام آخر سرورمان ، عیسی نمایشی عملی از فروتنی به رسولان داد. پاهای شاگرد خود را شست قبل از اینکه زندگی خود را برای دوستانش بگذارد.

"من پس ، پروردگار و معلم شما ، پاهای شما را شسته ام ، شما نیز باید این کار را انجام دهید و پاهای یکدیگر را بشویید. زیرا من به شما مثالی دادم که شما نیز باید همانگونه که من انجام داده ام نیز انجام دهید. به راستی به راستی، به شما می گویم بنده نه بزرگتر از ارباب خود است و نه پیامبر بزرگتر از فرستنده او. اگر شما این کارها را بدانید ، خوشا به حال شما که آنها را انجام می دهید." (یوحنا 13: 14-17)



شفاء مردان نابینا (20: 29-34)

عیسی اکنون قسمت آخر سفر خود به اورشلیم را آغاز کرد. جمعیت زیادی او را دنبال کردند و ما از باب بعدی که بسیاری از آنها با او تا اورشلیم رفتند (مقایسه کنید متی. 20:29 و 21:8).

درست بیرون اریحا از کنار دو مرد نابینایی که کنار جاده نشسته بودند عبور کردند. آنها به کمک عیسی فریاد زدند و او به آنها ترحم کرد، ایستاد و چشمان آنها را شفا داد پس آنها می توانستند ببینند.

اگرچه عیسی به مهمترین مرحله زندگی کاری خود نزدیک می شد، اما هنوز وقت داشت که متوقف شود و به کسانی که به او نیاز داشتند کمک کند. در انجیل مرقس، یکی از این افراد بارتیمائوس نام دارد - شاید این نابینا برای خوانندگان مرقس به عنوان یک معتقد وفادار به زندگی بعدی شناخته شده بود. اگر چنین است، چقدر خوشحال می شد برای مرحمتی که در جاده جریکو به او نشان داده شد.

متی به ما می گوید که آنها سپس عیسی را دنبال کردند - چه نمونه ای برای ما! کتاب مقدس مردم را کسانی توصیف می کند که از عیسی مسیح چیزی نمی دانند و از نظر روحانی کور هستند، نمی توانند حقیقت را در مورد او ببینند. کسانی که عیسی را به عنوان ناجی خود می پذیرند، آنها کسانی هستند که بصیرت معنوی دارند و ندای او را برای پیروی از او در راه پادشاهی درک می کنند.



باب 19- 21

اطلاعات زمینه: پسر داوود

چرا نابینایان عیسی را پسر داوود خواندند؟ ما می دانیم که او پسر خدا و پسر خوانده یوسف است که شوهر مریم او را به فرزندی پذیرفت. اما متی باب یک نیز به ما نشان داد که عیسی مسیح از تبار پادشاه داوود بود که به او وعده داده شد پسر خاصی که بر تخت سلطنت خود بنشیند برای همیشه سلطنت کند بنابراین این مردان نابینا فهمیدند که عیسی پادشاه موعود است! آنها بیشتر از اکثریت را دیدند.

باب 21: عیسی به اورشلیم می رسد

ورود عیسی به اورشلیم (21: 1-16)

عیسی و شاگردانش اکنون به بتفاژ در کوه زیتون رسیده اند و خداوند برای ورود او به اورشلیم آماده می شود. دو شاگرد را به خانه ای در همان نزدیکی فرستادند تا الاغی را برای سوار کردن ایشان به درون شهر بیاورند. با پیشرفت رویدادها ، یادآوری می کنیم که هر کاری که عیسی انجام داد ، مطابق با خواست و اراده پدر بود.

سفر او پیشگویی از زکریا 9: 9 را تحقق بخشید.



باب 19- 21

"ای قوم من، شادی کنید و از خوشحالی فریاد برآورید، چون پادشاهتان نزد شما می‌آید! او نجات دهنده‌ای پیروزمند است و با فروتنی، سوار بر کرّه الاغی می‌آید!"



وقتی او وارد شهر شد ، همه مردم هیجان زده بودند ، آنها عیسی را به عنوان یک پیامبر و یک پادشاه می شناختند و فکر می کرد پادشاه آنها آمده است تا پادشاهی خود را تصاحب کند. این رهبران مذهبی را نگران کرد.

"و جمعیتی که پیش او بودند و او را دنبال می کردند فریاد می زدند "خوش آمدی، ای پسر داود پادشاه! متبارک باد کسی که به نام خداوند می‌آید. خدای بزرگ او را متبارک سازد." (متی 21: 9)

این کلمات ، که توسط مردم فریاد زده می شدند ، 1000 سال زودتر در مزامیر 118: 25 ، 26 نوشته شده بودند. مردم عیسی را به عنوان "پسر داود" - وارث تاج و تخت پادشاه داود در اورشلیم (دوم سموئیل 7: 12، 13) می شناختند.

اصطلاح "Hosanna" ، (به معنای "اکنون نجات ده") به عنوان یک فریاد ستایش توسط یهودیان استفاده شد. مردم امیدوار بودند که عیسی آنها را نجات دهد - "اکنون ما را نجات ده" - از رومیانی که بر آنها در آن



باب 19- 21

زمان حکومت می کردند. اما او اینکار را نمی کرد و چندین روز بعد همان جمعیت داد می زدند "او را مصلوب کنید!"

عیسی معبد را پاک می کند (21: 12-16)

عیسی به جای لذت بردن از ستایش مردم ، با بیرون انداختن تاجران از این مکان ، همه را شوکه کرد معبد او از اینکه از خانه خدا توسط افرادی که برای درآوردن پول برای خودشان استفاده می شد عصبانی بود. صرافی ها سکه های خارجی را با آنهایی که می توانستند مالیات معبد را پرداخت کنند مبادله کردند، اما اطمینان حاصل کردند که مقداری را برای خود نگه دارند. معبد باید محلی برای پرستش خدا میبود، اما "لانه دزدان" بود. عیسی از ارمیا 11:7 نقل قول می کرد که 600 سال قبل از آن نوشته شده است!

"گفته شده توسط پیامبر ..."

انجیل متی به ما یادآوری می کند که زندگی عیسی مسیح وقف همه آنچه پدرش از طریق پیامبران عهد عتیق آشکار کرده بود شده بود. عبارت "توسط پیامبر گفته شد" بارهای بیشتری در انجیل متی نسبت به هر جای دیگر اتفاق افتاده است. این نقل قول ها از عهد عتیق به درک ما از پیام انجیل کمک می کند. این منابع را بررسی کنید و ببینید.

انجیل متی 22:1؛ 15:2؛ 17:2؛ 3:3؛ 14:4؛ 17:8؛ 12:17؛ 35:13؛ 4:21؛ 15:24؛ 9:27.



درخت انجیر (21: 18-22)

عیسی شب را در بتانی ، روستایی نزدیک به اورشلیم ، و احتمالاً در خانه مریم و خواهرش مارتا که در لوقا 10: 38،39 و یوحنا 1: 11 از او می خوانیم گذراند.

صبح او بتانی را ترک کرد و به اورشلیم بازگشت. او یک درخت انجیر (آیه 19) را دید و انتظار داشت که میوه ای از او پیدا کند. او درخت انجیر را نفرین کرد و درخت شروع به پژمردن و مرگ کرد.

با این حال ، این حادثه موارد بیشتری نیز دارد. در لوقا 13: 6-9 عیسی مثلی در مورد بی حاصل بودن درخت انجیر گفت. او به قوم اسرائیل اشاره داشت که از پذیرش پیام انجیل خودداری کردند. یک درخت انجیر دارای برگ معمولاً میوه هم دارد اما این یکی نه! عیسی از این به عنوان مثلی برای قوم اسرائیل استفاده کرد. به نظر می رسد همانطور که درخت انجیر برگهای زیادی را نشان می دهد ، با اشتیاق خدا را عبادت کنند. اما مثل این درخت انجیر هیچ میوه؛ آنها خصوصیات انسانهای خداپسندانه را به نمایش نمی گذاشتند و پرستش آنها اصیل نبود. با باعث شدن اینکه درخت انجیر پژمرده شود ، عیسی به قضاوت خداوند در مورد یهودیانی پرداخت که در پذیرش او به عنوان ناجی شکست خورده اند، چهل سال بعد رومی ها علیه اورشلیم آمدند و آن را نابود کردند همانطور که عیسی در انجیل متی باب 24 پیشگویی کرده بود.



اقتدار مسیح (21: 23-27)

بزرگ موبدان و بزرگان همیشه در تلاش بودند تا عیسی را با سخنان خود به دام بیندازند. آنها از او پرسیدند با اجازه چه مرجعی و قدرتی او در حال آموزش و معجزه است. آنها می خواستند او را به دام بیندازند که اعتراف کند این کارها را بدون اذن و اراده پدر آسمانی اش انجام می دهد. سپس آنها می توانستند او را به کفر متهم کنند و این بهانه را به آنها بدهد تا عیسی را به مرگ محکوم کنند. بدیهی بود که معجزات شگفت انگیز عیسی فقط در صورتی امکان پذیر بود که خداوند از طریق او کار کند. بنابراین عیسی از کسانی که او را به چالش کشیده اند پرسشی جستجوگرانه پرسید. بزرگ موبدان و بزرگان نمی توانستند بگویند که تعمید یوحنا بر اراده خداوند بود یا نه زیرا آنها یوحنا را باور نداشتند. آنها از گفتن می ترسیدند زیرا اکثر مردم فکر می کردند جان یکی از پیامبران خدا است. بنابراین آنها مجبور شدند پاسخ ضعیفی بدهند، "ما نمی دانیم".

مَثَل دو پسر (21: 28-32)

رهبانان یهود درست مثل پسر دوم این مَثَل بودند. آنها وانمود می کردند که در تاکستان خدا کار می کنند اما آنها با رفتار خود نشان می دادند که خدا را انکار می کنند. آنها از طبقات پایین و باجگیران نفرت داشتند. پسر اول نماینده کسانی است که ندای توبه را شنیدند و وقتی تعالیم یوحنا تعمیمدهنده را شنیدند متوجه شدند که نیازمند توبه هستند. بعداً همانطور که یوحنا آنها را راهنمایی کرد، عیسی را دنبال کردند.



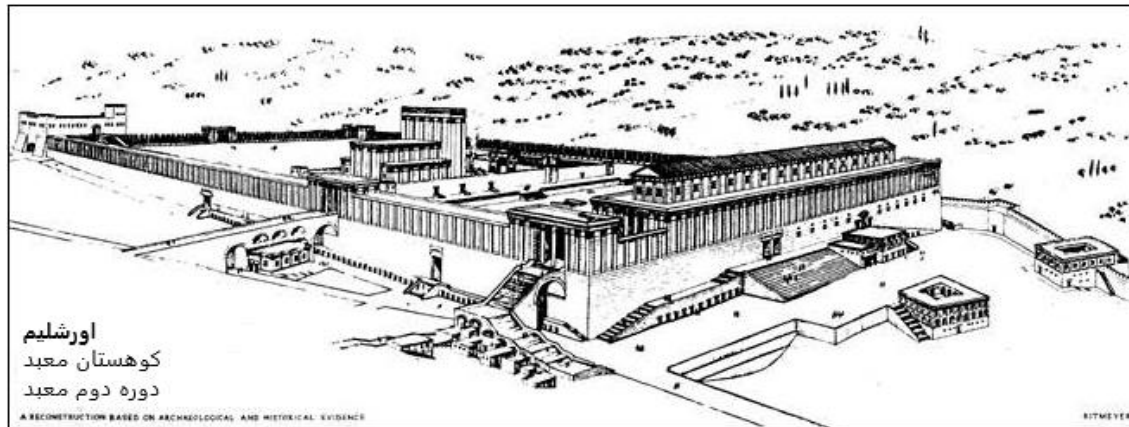
مَثَل مستأجران (21: 33-46)

این مَثَل دوباره نشان می دهد که چگونه رهبران یهود شکست خورده اند. در گذشته اسرائیل پادشاهی خدا بوده است (نگاه کنید به درس 9 از دوره 40 درس) و مردم توسط او فراخوانده شده اند تا فرزندان او باشند. با این حال آنها پیامبرانی را که برای هشدار به آنها فرستاده شده بود رد کرده بود، و عیسی می دانست که آنها در شرف انکار او هستند. این راه را برای غیر یهودیان برای داشتن مکانی در پادشاهی خدا باز کرد (آیه 43).

عیسی از مزمور 118: 22 ، 23 نقل می کند که به ما نشان می دهد علی رغم رد عیسی توسط یهودیان ، برنامه خدا نجات در پایان پیروز خواهد شد.

رئیس کاهنان و فریسیان مَثَل را درک کردند زیرا فهمیدند که عیسی در این مَثَل ها در حال صحبت کردند در مورد آنان است. بنابراین آنها به دنبال راهی برای کشتن او بودند اما از جمعیت می ترسیدند زیرا

مردم عیسی را به عنوان پیامبر پذیرفتند.





باب 19- 21

درس 7- برگه سوال

نام	
آدرس	
شماره مرجع	
آموزگار	

پاسخ به بیشتر سوالات در درس ها و یا متون کتاب مقدس میتوانند پیدا شود. لطفا پاسخ خود را در برگه سوالات بنویسید و آنها را از طریق پاکت نامه ارائه شده بازگردانید.

پرسش های باب 19

1. چه آیاتی نشان می دهند که عیسی باور داشت که پیدایش باب های 1 و 2 درست اند؟



باب 19- 21

2. درس بزرگی که عیسی در مورد ازدواج داد چه بود؟

3. عیسی با کلماتش در آیه 14 چه منظوری داشت؟

4. آیه 28 با سرور عیسی در حال نشستن بر تخت در آینده صحبت می کند. از چه پایتختی او حکومت خواهد کرد؟

5. با کلمات خود بگویید که در هنگام بازگشت عیسی مسیح رسولان چگونه پاداش می گیرند (آیه 29)؟



پرسش های باب 20

1 الف. چرا برخی از کارگران علیه صاحب تاکستان غر میزنند؟

1 ب. ما بیشتر با کسانی همدردی می کنیم که بیشترین تلاش را کرده اند و فکر می کنند مالک بی انصاف است. اما مالک چه گفت؟

1 ج. صاحب تاکستان در مثل نشان دهنده خداوند است. (اشعیاء 7:5) را ببینید. اگر فکر کنیم که قضاوت او ناعادلانه است نشان می دهد که روش تفکر ما روش تفکر خداوند نیست، کدام آیه از اشعیاء 55 بیانگر این است؟



باب 19- 21

2الف. شاگردان اذیت می شدند از اینکه یعقوب و یوحنا می خواستند بزرگ و برتر باشند، ما چگونه می توانیم بزرگ باشیم، عیسی چه می گوید؟

2ب. عیسی چگونه بزرگی خودش را نشان داد؟

2ج. مزامیر 89: 35، 36 را کپی نموده، با توجه به اعمال رسولان 13: 22، 23 از پسری که در این آیات صحبت می شود او چه کسی است؟

پرسش های باب 21

1الف. هنگامی سوار شدن عیسی به سمت اورشلیم جمعیت او را تشویق کردند. وقتی او به معبد رسید چه کرد؟



باب 19- 21

1ب. چرا کاهنان و کاتبان از آنچه بچه ها در منطقه معبد فریاد می زدند خوششان نمی آمد؟

مَثَل ها معانی مخفی دارند، جدول زیر به مَثَل های آیات 33-46 رجوع می کند. سعی کنید بدست بیارید که هر قسمت نشان دهنده چه چیزی است. بعضی قسمت ها برای شما انجام شده است.		
2الف	فرد/ مورد	نشان دهنده چیزی که هستند
2ب	مالک تاکستان	
2ج	مالک خدمتگزاران	پیامبران خدا
2د	مالک پسر	
2ه	اولین مستاجر	یهودیان
2و	سایر مستاجران (آیه 41)	
2م	تاکستان (آیات 41، 43)	
2ن	سنگ رد شده	